

عنوان مقاله:

ماهیت بشر و نظریه سیاسی از دیدگاه فارابی

محل انتشار:

دوفصلنامه اسلام و علوم اجتماعی، دوره 7، شماره 13 (سال: 1394)

تعداد صفحات اصل مقاله: 12

نویسندگان:

محمد شجاعیان - استادیار گروه علوم سیاسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

سید محمود نجاتی حسینی - استادیار جامعه شناسی، مدیر بخش جامعه شناسی دین در موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران

خلاصه مقاله:

ارتباط ماهیت بشر و نظریه سیاسی یکی از مباحث مهم در مطالعه تحلیلی هر نظریه سیاسی است. اندیشمندان سیاسی معمولاً مشروعیت نظریه خویش، درباره سیاست و حکومت را بر تئیینی خاص از ماهیت انسان ها بنا می نهند. پژوهش حاضر، آرای سیاسی فارابی، از اندیشمندان مهم سیاسی جهان اسلام، را از این دیدگاه بررسی می کند. نظریه سیاسی فارابی خصلتی جهان شمول دارد و این امر به دلیل برداشتی است که او از ماهیت بشر ارایه می دهد. در نظریه سیاسی فارابی، انسان ها به دلیل ماهیت خویش، برای رسیدن به سعادت نیازمند حضور در اجتماع هستند. در نتیجه تلقی او با تلقی های مدرن فردگرایانه از سیاست و حکومت در تعارض است. فارابی معتقد است انسان، برای شناخت سعادت به غیر خودش نیاز دارد و این نیاز، صرفاً از طریق ارتباط با عقل فعال، که خودش مخلوق خدای عالم یا همان سبب نخستین است، برآورده می شود. به این ترتیب، نظریه سیاسی فارابی ارتباط ویژه و مشخصی با مسیله توحید دارد. نظریه های سیاسی مدرن، عمدتاً به موضوع حاکم یا امام در اجتماعات سیاسی توجهی نمی کنند. اما اینکه چه کسی باید حکومت کند، برای فارابی اهمیت بسیاری دارد و نظریه او در این زمینه وام دار برداشتی است که او از ماهیت بشر ارایه کرده است.

کلمات کلیدی:

ماهیت بشر، نظریه سیاسی، امامت، فارابی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/856580>

